

عضو انجمن
سنجفی مدیران رسانه
و شرکت تعاونی
مطبوعات کشور

فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

www.shahrvand-newspaper.ir

صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر

مدیر مسئول: عبدالرسول وصال

نشانی: تهران، فکده دوم صادقیه
انباری بزرگراه محمدعلی جناح
کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴
کد پستی: ۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن: ۰۷-۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن روابط عمومی: ۴۴۹۵۶۱۰۹
چاپ: جام جم
توزیع: شرکت دنیای اقتصاد تابان
تلفن: ۸۷۷۶۲۲۰۰
امور شهرستانها: ۸۷۷۶۲۲۰۱
تلفن سازمان آگهیها: ۰۲-۴۴۹۵۶۲۰۰
فکس: ۴۴۹۵۶۲۰۳

میتاق نامه اخلاقی حرفه ای روزنامه شهرود
را در سایت بخوانید
http://shahrvand-newspaper.ir/
Misagh_Name

telegram.me/Shahrvand_Newspaper
instagram.com/Shahrvand-Newspaper

این شرحی نهایت

اعمال نیک را به اتکای دوستی آل محمد (ص) و دوستی آل محمد (ص) را به اتکای اعمال صالح از دست ندهید، که هیچ کدام به تنهایی پذیرفته نمی شود.

باده موعود

ساقیا در نوش آور شیریه عنقود را در صبح آور سبک مسلمان خوابا اود را یک به یک در آب افکن جمله تر و خشک را اندر آتش امتحان کن چوب را و عود را سوی شورستان روان کن شاخی از آب حیات چون گل نسرين بخندان خار غم فرسود را بلبلان را امست گردان مطربان را شیرگیر تا که در سازند با هم نغمه داوود را بادبیمبا بادبیمایان خود را آب ده کوری آن حرص افزون جوی کم پیومود را هم بزن بسرافسان آن درد در دانگیز را هم بخسور با صوفیان پالوده بی دود را می میاور زان بیاور که می از وی جوش کرد آنک جوشش در وجود آورد هر موجود را زان می کاندر جبل انداخت صد رقص الجمل زان می کوروشنی بخشد دل مرود را هر صباخی عید داریم از تو خاصه این صبح کز کرم بر می فشانی باده موعود را برفشان چندانک ما فاشانده گردیم از وجود تا که هر قاصد بیاید در فنا مقصود را همچو آبی دیده در خود آفتاب و ماه را چون ایزی دیده در خود هستی محمود را شمس تیزی بر آرز چاه مغرب مشرقی همچو صبحی کو بسارد خنجر موعود را مولوی

تقویم تاریخ

- رخداد**
 - انتشار کتاب مشهور سرود گریسمس نوشته چارلز دیکنز نویسنده انگلیسی (۱۸۴۳ میلادی)
 - کودتای ژنرال ادیب شیشکللی در سوریه و به دست گرفتن قدرت از سوی نظامیان (۱۹۴۹ میلادی)
 - تخریب مسجد تاریخی بابری در شهر آیودیا ایالت اوتارپرداش هندوستان توسط هندوهای افراطی (۱۹۹۲ میلادی)
 - آغاز گروه گانگیزی طولانی مدت (۴ ماه) میهمانان سفارت ژاپن در شهر لیما پایتخت کشور پرو (۱۹۹۶ میلادی)
- طلوع**
 - لئونید برژنف - سیاستمدار و دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۲ پس از نیکیتا خروشچف (۱۹۰۶ میلادی)
 - ادیت پیاف - خواننده، ترانه‌سرا و بازیگر فرانسوی، خواننده ۲ ترانه معروف زندگی مانند گل سرخ و هیچ شیشمان نیستم (۱۹۱۵ میلادی)
 - تربیا قاسمی - بازیگر، تئاتر، سینما و تلویزیون ایران، نقش آفرین در آثاری چون: آرامش در حضور دیگران خانه ابری، خواستگاری، مارال (۱۳۱۹ خورشیدی)
- غروب**
 - امیلی برونته - داستان نویس و شاعر معروف انگلیسی، خالق رمان بلندی‌های گدیر (۱۸۴۸ میلادی)
 - ولیبام ترنر - نقاش رمانتیک بریتانیایی و فعال در زمینه هنر چاپ، معروف به نقاش نور (۱۸۵۱ میلادی)
 - رابرت میلیگان - فیزیکدان آمریکایی، برنده جایزه نوبل فیزیک سال ۱۹۲۳ برای اندازه‌گیری بار الکتریک (۱۹۵۳ میلادی)
 - مارچلو ماسترویانی - بازیگر مشهور ایتالیایی، نقش آفرین در فیلم‌هایی چون: زندگی شیرین، شب‌های سفید، معامله بزرگ در خیابان مدونا (۱۹۹۶ میلادی)

قاب کوچک



یک کودک لیبیایی که از قالیق وازگون شده مهاجران غیر قانونی در دریای مدیترانه نجات یافته، توسط اعضای جبهه آغوش‌های باز که در زمینه حمایت از آسیب‌دیدگان جنگ فعال هستند مورد حمایت قرار گرفته است. عکس: داریون لویی / Reuters

پیشخوان

این کتاب بر سواد شما می‌افزاید!

«فروپاشی: چگونه جوامع راه فنا یا بقا را بر می‌گزینند» نوشته جرد دایومند با ترجمه فریدون مجلسی منتشر شده است. در این کتاب برای درک فروپاشی‌های اجتماعی که مسائلی زیست‌محیطی در آن‌ها نقش داشته‌اند، از روش‌های قیاسی استفاده شده است. مولف در کتاب قبلی‌اش «سلحله، میکروب و فولاد» سرنوشت جوامع بشری - روش مقایسه‌ای را در جهت



مقلاتی می‌شود که زندگی امروز ما به آن گره خورده است و آینده ما و فرزندانمان در گرو شناخت بیشتر و عملکرد جدی‌تر در زمینه‌های مختلف آن است. کشور ما در بیشتر زمینه‌های مطرح شده در این داستان بشری شریک و سهیم است. بزرگترین مسأله ما آب و بالاتر از همه عبور از خط قرمز جمعیت و پدتر از آن جمعیت مهارناپذیر همسایگان و بیم جنگا جمعیتی که طبیعت و منابع قابل اتسکا در ایران و در جهان پاسخ‌گوی تأمین نیازهای آن نیست، تا چه رسد به رفاه و آسایش در معیار امروزی در این کتاب نامی از ایران نیامده اما در حیرتم که چگونه سطر سطر آن را مرتبط با این سرزمین کهن و مسائلی دیرپای آن می‌بینم. به گزارش این کتاب «فروپاشی» چگونه جوامع را فنا یا بقا را بر می‌گزینند» نوشته جرد دایومند به ترجمه فریدون مجلسی با شمارگان ۵۵۰ نسخه در ۶۶ صفحه به پهای ۵۵ هزار تومان از سوی نشر نو منتشر شده است.

پارک شهر

سرای بی کسی



پارک خلوت است و خالی، صادق بارز «برنده پر نمی‌زند» و شعر هوشنگ ابتهاج: «در این سرای بی کسی، کسی به در نمی‌زند، به دشت پُر ملال ما، برنده پر نمی‌زند». با خودم فکر می‌کنم ابتهاج موقع گفتن این شعر چه حالی داشته و چه تنهایی بزرگی را تجربه کرده که این بیت آمده به ذهنش! دیدن پیرمرد رشته افکارم را پاره می‌کند، بساطش را جای عجیبی پهن کرده، کنار حوض بزرگ پارک روی چمن‌ها، کز کرده و یقه کاپشن سبزی‌اش را توی دو مشت گرفته و زل زده به آب حوض خالی است و هیچ ماهی قرمزی توی آن دیده نمی‌شود، انگار همه‌شان از ترس گربه درده خزیده باشند زیر آب یا از ترس کلاغ‌های گرسنه خودشان را یک جایی گم و گور کرده باشند. به بهانه خرید می‌روم نزدیک‌تر، چین و چروک‌های صورت پیرمرد شبیه کوبر حاج علی قلی دامغان است، عمیق و پریشار، قاچ قاچ، کلاه کاموایی سرهای ما با حاشیه سفید

از هر دری سخنی

جهل و کج فهمی

از یکی از بزرگان دین نقل شده است: «هر که دنبال هوای نفس باشد و نظر خود را بیسندد، مانند مردی خواهد بود که شنیدم مردم بی‌مایه او را بزرگ می‌دارند او تعریف می‌کنند. تصمیم گرفتیم به صورت ناشناس او را ببینیم تا قدر و جایگاهش را مشاهده کنیم. پس او را در جایی دیدیم که مردم عوام دورش را گرفته بودند. او با سخنان خود آن‌ها را فریب می‌داد تا اینکه از آن‌ها جدا شد و رفت. من به دنبال او رفتم، مستقیماً به نزد ناوایی رفتم، همین‌که ناوای غافل شد، پنهانی دو قرص نان برداشتم. تعجب کردم و با خود گفتم، شاید با ناوای حسابی دارد. بعد به یک انار فروش پنهانی دو انار برداشتم. باز تعجب کردم و اول گفتم شاید معامله است، ولی بعد اندیشیدم اگر اینطور است چرا باید پنهان‌کاری کند؟ همین‌طور دنبال او رفتم تا اینکه به شخص بیماری رسیدم و آن دو قرص نان و دو انار را در مقابل او گذاشتم. طاقت نیاوردم و دو کوهی‌ای مقابلش قرار گرفتم و از او در خصوص فلسفه کارهایش پرسیدم. گفت: «یا این آیه که خداوند می‌فرماید: «هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن اجر می‌برد و هر که کار زشتی مرتکب شود، فقط به اندازه آن جزا داده می‌شود» (سوره «الانعام» آیه ۱۶۰) را شنیده‌ای؟ وقتی دو قرص نان دزدیدم، دو کار زشت مرتکب شدم با دزدیدن دو انار، دو وسیله دیگر که جمعاً شد چهار سینه. اما وقتی هر چهار تا را صدقه دادم، چهار سینه شد که از آن چهار سینه کم شد، و برای من سی و شش حسته باقی ماند!» با تعجب گفتم: «این چه مملات است که به هم می‌بافی! مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: «خداوند تنها از متقین قبول می‌کند» (سوره «المانده» آیه ۱۷) تنو با دزدی دو قرص نان مرتکب دو گناه شدی و با دزدیدن دو انار، دو سینه دیگر اضافه کردی. وقتی آن‌ها را بدون رضایت صاحبانش سه غیر آن‌ها واگذار کردی به چهار سینه، چهار سینه دیگر اضافه کردی نه چهل حسته!» او شروع به بحث با من کرد و من او را رها کردم و برگشتم.»

نگاه

شاید مواجهه با موانع متعدد و تنگناهای کوچک و بزرگ سبب یأس و بی تفاوتی نسبت به مسیری معین و یا آرزویی مشخص شود. گاهی حتی درس‌های نه چندان عظیم موجب بی‌اشتیاقی می‌شوند و این چنین آرزوهای گم و سرگردانی و بلاتکلیفی جانشین آن‌ها می‌شود، انگار که راهی جز تسلیم و سپردن خود به اتفاق‌ها وجود نداشته باشد. اما به گفته استیون هاوکینگ، مشهورترین دانشمند زنده جهان: «زندگی هر چقدر هم سخت به نظر آید همیشه کاری هست که بتوانی انجام دهی و در آن موفق شوی. مسأله مهم این است که تسلیم نشوی.» متن زیر نگاهی خلاصه است به زندگی فردی که خود را اسیر و تسلیم سرنوشت نکرد آنچنان که گویی راه گریزی از آن وجود نداشته و همچنان با اراده‌ای محکم به راه خود ادامه داد.

مسأله مهم تسلیم نشدن است

قضیه جیلین مرگادو

معضومه سلیمی

جیلین مرگادو متولد سال ۱۹۸۷ میلادی است. او با وجود استفاده از ویلچر، یکی از معدود مدل‌های معلول در صنعت مد جهان به شمار می‌رود. مرگادو در نیویورک متولد و بزرگ شد. او از نژاد دومینیکن است و دو خواهر کوچکتر از خودش دارد. زمانی که کودک بود به‌دلیل مشکلات عضلانی را در او تشخیص دادند. دیستروفی عضلانی یک سلسله‌بیماری بسیار حاد ژنتیکی پیش‌رونده وابسته به کروموزوم هاس که باعث تخریب یا اختلال در بافت ماهیچه‌ای شده و تا امروز به عنوان صفت قد بر داشت. درمان شناخته می‌شود. جیلین با وجود این بیماری از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ دانشجوی انستیتوی مد نیویورک بود و بعد از فارغ‌التحصیلی شروع به نوشتن درباره‌ی مد و بلاگش کرد و با این کار به سوی این صنعت قدم برداشت. مرگادو گفته‌علاقه‌اش به مد از مادرش که خیاط و پدرش که فروشنده کفش بود، نشأت می‌گیرد. این مدل مطرح، درباره‌ی آرزوی برای مدل شدن گفت: «وقتی خیلی جوان بودم با مجلات و روزنامه‌های مد مواجه می‌شدم و خیلی

مسأله مهم تسلیم نشدن است

قضیه جیلین مرگادو

معضومه سلیمی

برایم دشوار بود که تصور کنم روزی بتوانم بخشی از این دنیای مد باشم. هیچ کسی را نمی‌دیدم که شبیه من باشد در حالی که همه آن مدل‌ها شبیه هم بودند.» مرگادو در ابتدا به عنوان یک نویسنده مد با مدیر خانه مد «دیزل» ملاقات کرد. این دیدار زمینه‌ای فراهم کرد که بالاخره بتواند برای اولین بار در آگهی تبلیغاتی پوشاک «دیزل» در سال ۲۰۱۴ قدم به این عرصه بگذارد. او با شگفتی بسیار مورد توجه قرار گیرد. پس از این ماجرا او در مصاحبه‌ای در مورد موانع ذهنی که مدل‌های معلول با آن‌ها مواجه‌اند، صحبت کرد. مرگادو گفت: «پوشیدن بعضی از لباس‌ها به دلیل ناتوانی‌هایی که من دارم، کمی سخت می‌شود ولی اگر طراحان لباس در زمان طراحی کسانی مثل من را در نظر داشته باشند، می‌توانم آن‌ها را بپوشم.» حالا دیگر جیلین مرگادو راه عنوان شخصیتی مطرح می‌شناسند که ایده‌آل‌های زیبایی در دنیای مد را به چالش می‌کشد. او یکی از مدل‌های غیر قابل پیش‌بینی در صنعت مد است که با عدم حضور افراد معلول در این حوزه مبارزه می‌کند.